

خرده‌روایت‌هایی درباره‌ی رفتاری‌های اقتصادی و روحی که کرونا
بر بانوان و مادران شاغل تحمیل کرده است

رنجی که نان را بُرد

شهر

شهربانو

۲۳ شهریور
۱۴۰۰
۱۸ ربيع‌الاول ۱۴۴۳ شماره ۲۵۱۱

(۴)

عکس: سناز صفایی | شهر آرا

آسیب‌های آشکار کرونا را همه‌مان دیده و لمس کرده‌ایم، اما آسیب‌های پنهان این ویروس را تنها تعدادی از افراد با تمام وجودشان حس کرده‌اند. در این مدت، کسب‌وکار بانوان بسیاری از نفس افتاد. آن‌ها به چشم خود می‌دیدند که رود درآمد خانواده‌شان روز به روز باریک‌تر می‌شود و کاری از دستشان برنمی‌آید. اگر بخواهیم کلاه‌مان را قاضی کنیم، متوجه می‌شویم که زنان به دلیل روحیات و نقش‌های متعددی که در جامعه و خانواده‌شان دارند، درباره‌ی کرونا در مقایسه با مردان آسیب‌پذیرترند. بر اساس پژوهش جدید سازمان کمک بین‌المللی و غیرانتفاعی care نیز، ۶۲ درصد از افرادی که در جهان به دلیل همه‌گیری کووید ۱۹ شغلشان را از دست داده‌اند زنان هستند. ضمن اینکه ۲۷ درصد از زنان در این دوران، با چالش‌های مرتبط با بیماری روانی مواجه شده‌اند، در حالی که این آمار برای مردان تنها ۱۰ درصد است. برخی بانوان مشاغلی داشتند که باید ریسک ابتلا به بیماری را به جان می‌خوردند، اما باز هم خبری از کار و در نتیجه درآمد نبود. تعدادی از آن‌ها به ناچار شغل عوض می‌کنند یا حتی سراغ کارهایی مردانه می‌روند. امروزه گاهی زندگی خانواده‌ها از نظر اقتصادی با ۲ نیروی کار به‌سختی می‌چرخد. اکنون تصور کنید زنان سرپرست خانوار چگونه باید این وزنه سنگین را یک‌تنه به دوش بکشند. از سوی دیگر، زنان شاغل ناچار بودند مدتی در محل کار خود حاضر باشند و همین موضوع نیز بار روانی و اضطراب بسیاری به آن‌ها تحمیل می‌کرد. ضمن اینکه برخی بانوان، از ابتدا تا امروز که کرونا دوساله شده است، هنوز نمی‌توانند وسواس فکری عملی و اضطراب خود را کنترل کنند، رعایت نکات بهداشتی منزل، تعطیلی مهد کودک و مدارس، و یادآوری رعایت دستورهای بهداشتی به اعضای خانواده از جمله احساس مسئولیت‌هایی است که زنان در این دوره داشته‌اند و شاید مدت زیادی است که به دلیل رسیدگی به این امور، اوقات فراغتی برای خود ندارند. همه این‌ها تبعاتی است که از این ویروس گریبان گیرشان شده است.



سعیده آل ابراهیم

فشار اقتصادی ما را له کرده است

روایت

می‌کردم. با اینکه دخترانم بیشتر کارهای مربوط به خانه را انجام می‌دادند، فشار عصبی و اضطراب زیادی تحمل می‌کردم که مبادا ناقل این بیماری برای خانواده‌ام باشم. ضمن اینکه بیشتر شب‌ها حتی می‌ترسیدم دختر کوچکم را بغل بگیرم و به او شیر بدهم.»

✚ روحیه شاد خود را از دست دادم

آن طور که مهسا می‌گوید، بعد از ماه محرم و با توجه به اینکه واکسیناسیون با سرعت بیشتری پیش می‌رود، مراسم عروسی از سر گرفته شده است، اما هنوز کار آن‌ها آلات را از ترس اینکه دوباره شغلش به حالت تعلیق دربیاید، کنار نگذاشته است. «پر خاشگیری، وسواسی و عصبی شدن از ویژگی‌های منفی‌ای بود که کرونا برایم «ارمغان» آورد! تا پیش از این، به هر مراسمی می‌رفتم، عروس و داماد می‌گفتند حس خوبی از من می‌گیرند، اما حالا دیگر خودم هم آن روحیه شاد را ندارم تا این حس را به دیگران منتقل کنم.»

را که در دوران همه‌گیری کرونا برگزاری آن‌ها ممنوع بود قبول می‌کرد، اما در یکی از همین فیلم‌برداری‌ها که او باید به همراه عروس و داماد به شمال می‌رفت، عروس ناقل کرونا بود و او نیز گرفتار می‌شود. باز هم این شغل را به بیکاری ترجیح می‌دهد تا زمانی که یکی از دوستانش، نیکوکاری را به او معرفی می‌کند تا بتواند از طریق او مشغول به کاری شود. «آن فرد کارگاه فروش آهن‌آلات داشت. من نیز روابط عمومی خوبی داشتم. قرار شد در سایت‌های فروش، تبلیغات بگذارم و هر مشتری‌ای به مرحله خرید رسید، به من درصد بدهند. کار مردانه‌ای بود، اما چاره‌ای نداشتم.»

مهسا جدا از فشار اقتصادی، باید بار روانی حضور در مراسم با جمعیت بالا را نیز تحمل می‌کرد. ۲ ماسک و حتی شیلد به صورت می‌زد، اما بیشتر مواقع ناچار می‌شد شیلد را کنار بگذارد زیرا بخار می‌گرفت و مزاحم دید او برای فیلم‌برداری می‌شد. «هر موقع به خانه می‌آمدم، سرتاپای خودم را ضد عفونی

که فلج می‌شود. «۲ تا ۳ ماه درآمد مشترک من و همسرم به کمتر از ۵۰۰ هزار تومان رسید و برای رتق و فتق امور خانه و بچه‌ها از دوست و آشنا قرض می‌کردیم، اما باز هم کفاف نمی‌داد و نزدیکان به ما کمک می‌کردند.»

✚ تغییر کاربری آنلاین عکاسی

برای او که همیشه سعی می‌کرد روی پای خودش بایستد، پذیرش کمک از سوی نزدیکان بسیار سخت بود و چه شب‌ها که از این فکر، بیدار خوابی به سرش نزد. «بعد از مدتی، عروسی‌های پنهانی برگزار می‌شد. اما از آنجا که همه فیلم‌برداران بیکار شده بودند، کار رقابتی شده بود و هر کسی مبلغ کمتری می‌گرفت سر کار می‌رفت. من و دوستم آنلاین داشتیم که آنجا هم از رونق افتاده بود. به همین دلیل، آن‌را به آنلاین کودک تغییر دادیم، اما باز هم جواب نداد.»

✚ به ناچار سراغ شغلی مردانه رفتم

مهسا، به دلیل نبود کار، عروسی‌های پنهانی

مهسا سال‌های زیادی است که لحظه‌ها و ساعت‌های شادی مردم را با نگاه و صدای همان روز برایشان ماندگار می‌کند. او فیلم‌بردار مراسم عروسی است، همان عروسی‌هایی که در این ۲ سال، برای حضور در آن‌ها دلتنگ شدیم. شغل مهسا از مشاغلی بود که بعد از همه‌گیری کرونا خیلی زود به سمت تعطیلی رفت. «فیلم‌برداری شغلی است که به‌طور مستقیم با افراد در ارتباط است. بعد از شیوع کرونا، با اینکه استرس ابتلا به بیماری را داشتم، ناچار که کار کنم، اما بعد از مدتی به دلیل اینکه امکان برگزاری مجالس عروسی نبود، به شدت دچار فشار اقتصادی شدم. تا پیش از کرونا از ۷ روز هفته، ۵ روز برای فیلم‌برداری مراسم می‌رفتم اما بعد از آن، شاید هر ۲ هفته یک مراسم نصیبم می‌شد.»

او مادر ۳ دختر است که بزرگ‌ترین آن‌ها ۲۰ سال و کوچک‌ترین‌شان حدود ۳ سال دارد. شغل همسر مهسا رانندگی تاکسی بود. او نیز به دلیل کرونا، از تعداد مسافران کاسته می‌شود و یک‌باره چرخ اقتصادی خانواده‌شان نه‌پنجر،